

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دانشگاهها و مراکز آموزش عالی «ناآرام» اند. این را رژیم هم محرف است. ولی در واقع دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در جوش و خروش اند. و این را همه مردم چشم می بینند.

جوش و خروش در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی واقعیت تازه ای نیست. جامعه دانشگاهی ما همیشه یکی از کانونهای مقاومت علیه بیعدالتی، ارتجاع و استبداد و یکی از مراکز مهم مبارزه در راه آزادی

بازرزه علیه استبداد و رژیم ترور و اختناق را تشدید کنیم!

یورشهای پلیسی ضد فرهنگی و ضد دانشجویی، از عتاب و خطبههای تهدید آمیز شخص دیکتاتور در داخل گرفته تا توصیه به همه کشورهای جهان که در جامعه های خود انضباط برقرار کنند، آری همه چیز به منظور بسط استبداد و محسو آزادی در کشور ما بکار گرفته شده است.

مشکل بتوان چنان شیوه یا روش قرون وسطایی ویا ملوای پلیسی را نشان داد که دستکهای انتظامی و امنیتی رژیم شاه در مبارزه علیه خواستاران آزادی و دمکراسی از آن استفاده نکرده باشند. قانون شکنی های بی حساب و جنایت بی شمار سالهای اخیر، بدستی نام رژیم شاه را در کنار نام رژیمهای فاشیستی، که در عین حال مهر قرون وسطایی را بر پیشانی دارد قرار داده. تنگی که چنین رژیمهایی ببار می آورند بفرجه ای است که حتی دول ومحافل امپریالیستی حامی آنان از اشتراک در مسئولیت این تبه کاری تبری میجویند.

رژیم شاه با اعمال خشونت بلاترین ترور پلیسی شب سیاه و تیرگی مدهوش را بر جامعه ما چیره ساخت. کودتایی از همه چیز و افکار پیر جنبشی کمک گرفتند تا اینکه این شب تیره همچنان بدرازا کشانده شود و بر فرصت آنان برای ادامه حاکمیت تنگین بیافزاید. لیکن درست زمانی که آنان تصور میکنند به مقصد رسیده اند، با وحشت تمام شاهد آنند که کوشش مردم ایران برای پایان دادن به ظلمت استبداد دو چندان میشود. و افق موفقیت در برابر خواستاران آزادی و دمکراسی بیشتر گشوده میگردد.

شاه و حامیان داخلی و خارجی او جامعه ایران را تسلیم شده، خاموش و ثنا گوی استبداد قرون وسطایی و دیکتاتوری لاشبه فاشیستی می خواستند. در پایان جنبشهایی که بر آن حد و حصری متصور نیست، آنان جامعه ایران را عاصی، خروشان و بیشتر از همیشه عطاان آزادی و دمکراسی مشاهده میکنند. انتصابات پی در پی کارگری، ابراز عدم رضایت از جانب دهقانان، تشدید مخالفت اقشار پیشه وری، عصیانهای دانشجویی و روشنفکری و اعتراضات خشم آلود فردی که اکنون بصورت حوادث روزانه تر آمده بشکل آشکار تشدید تلاش همه طبقات زحمتکش و اقشار مترقی را برای

تناسب نیرو در مبارزه بین رژیم ترور پلیسی و ز سویی و خواستاران آزادی و دمکراسی در ا سوی دیگر، بزبان اولی و بسود دومی در راست. این واقعیت نمی تواند محسوس تر شود. دیکتاتوری و استبداد در تشدید مبارزه علیه امکانات رژیم شاه در حفظ و ادامه رژیم ترور و خفقان سیاه به انتها میرسد. رژیم چنان وسیله لغت و باقی نگذاشته که از آن به منظور ابقاء فردی و استبداد مطلق استفاده نکرده باشد. حالته است که شرایط داخلی و جهانی هر چه بود نیرو های ضد دیکتاتوری و استبداد تغییر نیرو های خلق برای کسب آزادی و دمکراسی امکانات وسیعتری دسترسی پیدا میکنند. رژیم ضد ملی و ضد خلقی شاه در موجو آخرین شروه و استقرار استبداد مطلق سلطنتی در همه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از ارتکاب ایی فرو گذار نکرده است و ترور پلیسی رژیم، تعقیبات آشکار غیر قانونی و قتل و کشتار علنی ارتقاء یافته است. بی اعتنائی بر عایت قوانین و اصولی بودیت رژیم به آن متکی است و یاز گذاشتن آزادهای انتظامی و امنیتی در ارتکاب هر نوع سیاست رسمی دولت شاه در سالهای اخیر است. شاه و دارو دسته کودتا گوشیده اند تا باتوسل ت بارتترین ترور پلیسی جامعه ایران را مرام کنند نیان دائمی بغض آزادی و استقلال را برانمازند. ن دارو دسته ایجاد جزیره «تپائی» بود که مدوئی حکمرانان مجاز در اعمال هر جنایتی حال آنکه توده محرومان حتی حق ابراز علم نداشته باشند.

نمی توان گفت که در نبل به این اهداف جهانی رژیم و دستکهای انتظامی و امنیتی آن لاشی کشرین کوتاهی و یا حتی غفلتی روی نش. بکس آنان از کلیه ابزار های ممکن و غیر قانونی و همه وسائل ارتعاب و تهدید به و قتل استفاده کرده اند. از کشتار جمعی وده ای و ملی و چریک گرفته، تا زندانی و وحانی و بازاری، از سرکوب شدن مبارزات اعتصابی کارگران و دهقانان گرفته تا

مقاومت و مبارزه دانشجویان درهم شکستنی نیست

سال گذشته تمام دانشگاهها و مراکز آموزش عالی را در بر گرفت. بویژه از زمان برگزاری ۱۶ آذر، روز شهیدان دانشجو، موج نیرومند جنبشی از تظاهرات و اعتصابات، دانشگاهها و مراکز آموزش عالی را فرا گرفته است که هنوز هم ادامه دارد.

در بررسی علل این جریان میتوان به نتایج زیرین رسید:

۱) رژیم نفاخته و نتوانسته است که خواستههای بحق و عادلانه دانشجویان را نه در زمینه صنفی و نه در دنباله در صفحه ۲

عدالت و ترقی و جنبش دانشجویان ایرانی بخشی از جنبش عمومی ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران بوده است. آنچه در دوران اخیر، بویژه در سال گذشته، در این واقعیت اهمیت خاص دارد، اینست که برغم «تدابیر» گوناگون رژیم برای «آرام» ساختن و «آرام» کردن دانشجویان و تشدید فشار پلیسی علیه دانشگاهیان، اعم از دانشجو و استاد، این کانون مقاومت و مبارزه گسترش می یابد. تظاهر این گسترش مقاومت و مبارزه را میتوان در اعتراضات و اعتصابات گوناگون و متعددی مشاهده کرد که در

بازی با دمکراسی

در هفته های اخیر ۱۱ نفر متهم سیاسی بنام اعضاء «سازمان انقلابی حزب توده ایران» در دادگاه بدوی نظامی محاکمه و به حبسهای سه سال تا ابد محکومیت یافتند. این عده بنا بر روایت ساواک از گروه ۱۹ نفری بودند که در بهمن ماه سال گذشته ۸ نفرشان در زد و خورد با پلیس کشته شدند. طبق اخبار رسیده به حزب ما، ساواک با فرستادن مأموران خود به «سازمان انقلابی حزب توده» تقریباً تمام این سازمان را در دست داشت و با دست یافتن به آرشو این سازمان توانست بیش از ۴۰۰ نفر از اعضاء این سازمان و سازمان آزادیبخش، را که در رأس آن سیروس نهبندی جاسوس ساواک قرار گرفته بود بازداشت کند. در میان آنان افراد متعلق به سایر گروههای سیاسی هم وجود داشته اند که در اثر آشنائی با اعضاء این سازمان ها او رفته اند.

مطبوعات ایران دادرسی این ۱۱ نفر را علنی اعلام کردند. اما پس از تشکیل دادگاه نظامی همه دنباله در صفحه ۲

حوادث زئیر و سیاست پکن

پس از درگذشت مالو و بازداشت گروه چهار نفری، و هواداران این گروه، سفنگریان رسمی پکن ضمن افساه نقش مغرب این گروه اعلام کردند که گروه چهار نفری، در زمینه سیاست خارجی تلاش میکردند تا اصل اثر نامیونالیسم پرولتری را کنار بگذارند و از سیاست های امپریالیستی دنباله روی کنند. با توجه سیاست خارجی رهبری چین در گذشته در باره حوادث جهانی و جنبشهای جهانی بخش ملی که پکن از توطئه ها و مداخلات امپریالیستی علیه جنبشهای جهانی بخش ملی پشتیبانی میکرد و خود مستقیماً در این توطئه ها شرکت داشت که از نمونه های برجسته آن حوادث آنگولا است، این انتقاد واقع بینانه بنظر میرسد و نوید آنرا میداد که رهبری پکن در مواضع سیاست خارجی خود بازبینی خواهد کرد.

اما حوادث زئیر (کشوری سابق بلژیک) نشان میدهد که پکن همچنان مواضع ضد خلقی و پشتیبانی از محافل ارتجاعی و امپریالیستی را در مسائل بین المللی دنبال میکند. حوادث زئیر بار دیگر هم پیوندهای پکن را با نیرو های نژاد پرست، ارتجاع و امپریالیسم جهانی در مقابله و سرکوب جنبشهای جهانی بخش ملی نشان میدهد.

دیدار بین رهبری حزب توده ایران و حزب کمونیست بلژیک

(این اعلامیه در شماره ۱۳ آوریل ۱۹۷۷ دریاو روز «ارگان مرکزی حزب کمونیست بلژیک» انتشار یافته است.)

* روز ۶ آوریل ملاقاتی برادرانه بین هیئت نمایندگی حزب توده ایران بریاست دبیر اول آن ایرج اسکندری و هیئت نمایندگی حزب کمونیست بلژیک (ح. ک. ب.) به سر پرستی نائب رئیس حزب، کلود زلارد صورت گرفت.

* در این ملاقات که در فضائی دوستانه ادامه یافت، هر یک از نمایندگان در باره اوضاع کشور و حزبشان دیگری را مطلع ساختند.

* هیئت نمایندگی حزب توده ایران از همستگی فعال حزب کمونیست بلژیک با مبارزاتی که در حال حاضر خلفهای ایران علیه دیکتاتوری ارتجاعی شاه در شرایط دشوار انجام میدهند تشکر فراوان کرد.

برای اینکه ماهیت سیاست چین نسبت به حوادثی که در زئیر میگذرد روشن تر شود اشاره کوتاهی به این حوادث و سیاست دول امپریالیستی نسبت بان بیفایده نخواهد بود.

اهالی ایالت جنوبی زئیر شایا (تا سال ۱۹۷۳ ایالت کاتانگا نام داشت) در زیر فشار بیدادگری رژیم ارتجاعی و ضد خلقی زئیر و در اثر فقر و گرسنگی و هزاران محرومیت اجتماعی در حدود چند ماه پیش دست بقیام زدند. تاکنون تعدادی از شهر های این ایالت به تصرف قیام کنندگان در آمده است. قیام اهالی ایالت شایا بوسیله جنبش اپوزیسیون رژیم زئیر بنام «جبهه جهانی بخش ملی» کنگوه رهبری میشود. قیام اهالی ایالت شایا در زئیر، محافل ارتجاعی و امپریالیستی را سراسیمه کرد. کاخ سفید واشنگتن بلافاصله تصمیم گرفت معادل دو میلیون دلار کمک نظامی یعنی اسلحه و مهلت به رژیم زئیر بدهد. خبرگزاری یونایتد پرس اطلاعات داد واشنگتن با متحدین خود در ناتو در مورد کمکهای نظامی به رژیم زئیر به شور و مشورت پرداخته است. دولتهای فرانسه و بلژیک تصمیم گرفتند از دنباله در صفحه ۲

ایران به ۲۳ برابر صادرات غیر نفتی کشور ما رسید!

آشکار اول و ابستکی مهلت اقتصاد ایران به اقتصاد کشور های امپریالیستی و انحصارات تازا جگر آنها و نهایتاً نمایانگر خصالت عملا بکجا محمولی اقتصاد کشور است. با توجه باین وابستگی تپائی آور اقتصاد ایران به نفت، بیهوده نیست که هر عطسه نفتی رژیم عربستان دنباله در صفحه ۲

بموجب گزارش دفتر آمار بین المللی گمرک و در بهمن ماه سال ۱۳۵۵ مجموعاً ۳۹۹،۲۳۶،۱۰۰ به ارزش ۷۸،۱۷۴،۰۰۰ ریال وارد کشور ۱۰۹،۷۲۴ تن کالای غیر نفتی به ارزش ۴،۸۲۸،۱۷۱ ریال صادر گردیده است. در همین که در مجله «بورس» جرح است، آمده است

شادباش حزب توده ایران به حزب کمونیست اسپانیا

به کمیته مرکزی حزب کمونیست اسپانیا، رفقای عزیز!

با شادمانی تمام از قانونیت حزب کمونیست اسپانیا، اطلاع یافتیم. کمیته مرکزی حزب توده ایران این پیروزی بزرگ حزب طبقه کارگر اسپانیا را با گرمی فراوان شادباش میگویند و به حزب پرافتخار کمونیست اسپانیا درود های آتشین خود را تقدیم میدارد. برای حزب کمونیست اسپانیا در نبرد در راه دمکراسی و رفاه زحمتکشان و صلح و سوسیالیسم بزرگترین ظفر مندی ها را آرزو مندیم.

دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران ایرج اسکندری

بازده ماه سال ۱۳۵۵ جمعاً ۳۴،۷۲۳،۸۴۰ تن ارزش ۴۸۳،۰۰۰،۸۰۴ ریال وارد و ۹۲ تن کالای غیر نفتی به ارزش ۳۸،۲۶۹،۱۷۵ ریال صادر شده است.

بسیار نسبت واردات کالا به صادرات غیر نیرو طی این مدت (و مسلماً در طول سراسر شش) از نظر وزن بیش از ۱۴ برابر و از نظر دیک به ۲۳ برابرست و اگر واردات و صادرات کی (یعنی کالاهایی که معمولاً از گمرک نمی و اسلحه و کالای وارد و صادره توسط و سفارتخانه ها و مؤسسات خارجی و غیره و و آمنت) نیز در نظر گرفته شود، این نسبت پیش تمییز میگردد.

این عدم موازنه فاحش میان واردات و صادرات میلانیم، فقط از مهمل در آمد نفت جبران میشود حل صادرات کالا های دیگر. این امر نشانگر

فشار بر زندانیان سیاسی درود بر پایداریها!

بقرار اطلاع رژیم شاه از آزاد کردن ۴۵۰ نفر زندانی سیاسی که دوران محکومیت خود را بپایان رسانده اند خود داری نهمه و شرط آزادی آنانرا همکاری با ساواک قرار داده است. این در شرایطی است که رژیم به «آزاد کردن» زندانیان تظاهر میکند. ضمناً فشار بر زندانیان سیاسی همچنان ادامه دارد، چند صد نفر از افراد خانواده های زندانیان سیاسی اخیراً طوماری امضاء نموده و در آن به اقدامات غیر قانونی و خود سرانه ساواک اعتراض کرده اند. آنها خواسته اند بنام خانواده ها حق ملاقات داده شود.

مبارزه علیه استبداد و ...

طرد ترور پلیسی وکیل به آزادی نشان میدهد. اکنون میتوان حتی از نفوذ عدم رضایت از استبداد مطلقه سلطنتی در میان افراد و اقتضای از خود هیئت جامعه و نگرانی آنان از نتایج ادامه وضع موجود سخن گفت. این پدیده ها را نمیتوان به معنی قرار گرفتن تسلط استبداد و دیکتاتوری در سیر نزولی و مبارزه برای آزادی و دموکراسی در سیر صعودی ارزیابی نکرد.

در نتیجه نهایی همین واقعیت اخیر است که حامیان رژیم ترور و پلیسی را بوحشت انداخته و اعتماد به آینده را از آنان سلب نموده. ما اکنون ابراز عدم اعتماد نسبت به آینده را از زبان خود شاه میشنویم که از سالهای آینده با وحشت و نگرانی سخن میگوید. ما هم چنین صفت رژیم را در آن مشاهده میکنیم که در تشکلی افشاء جنایات خود قرار گرفته و حالت طفلی بخود میگیرد. برخی مانورها و اقدامات اخیر رژیم بصورت آزادی بخش کوچکی از زندانیان سیاسی، تن دادن به «محاکمات»، نظامی، اجاره «طرح»، مطلب و انتقاد در جلسات حزب شهساخته و نظایر این تظاهرات نه از روی اختیار، بلکه بر اثر اجبار صورت میگیرد. رژیم در سرایت اجبار به مانور و تجدید آرایش قرار گرفته و اگر مبارزات خلق قوت یابد، جز اینکه تمام بدم در برابر تشدید مبارزه باطوار آزادی و دموکراسی تن به ترک سنگر های ترور پلیسی و خفقان بدهد چاره دیگری ندارد.

تناسب نیرو ها در صحنه جهانی آشکارتر و قابل لمس تر از داخل بزبان رژیم مستبد صد خانی بهم خورده و میخورد. طرد رژیمهای فاشیستی و شبهفاشیستی یونان، پرتغال و اسپانیا، معو استبداد سلطنتی چهار هزار ساله درجمله طرد رژیمهای مستعمراتی در آنکولا و موزامبیک و تحولات نظیر در جهت طرد دیکتاتوری و اختناق در کشورهای ترکیه و پاکستان - همه رنگ خطر برای شاه و ادامه رژیم ترور و اختناق پلیسی بشمار میروند. شکستهای امپریالیسم در حفظ تسلط اقتصادی، سیاسی و نظامی خود در جهان سرمایه داری و بالاخره پایان یافتن دوران حفظ رژیمهای دست نشانده با کمک سرتیژه امپریالیستی عوامل دیگر تشدید ترول رژیمهای مانند رژیم شاه در کشور ما ایران است.

تشدید مبارزه مردم ایران باشکال مختلف و تغییر تناسب نیرو در مبارزه بین رژیم ترور پلیسی و اختناق و خواستاران آزادی و دموکراسی از واقعیت های قابل لمس جامعه ما در لحظه کنونی است. در مسیر این واقعیت است که بمتنظر پایان دادن به حکومت مطلقه و رژیم ترور و اختناق و بر انداختن رژیم استبداد لزوم تشدید مبارزه علیه ترور پلیسی از جانب همه نیروهای که بخاطر آزادی و دموکراسی مبارزه میکنند کسب اهمیت میکنند. دعوت ما از کلیه نیرو های مخالف رژیم، صرف نظر از معتقدات سیاسی و مذهبی آنان اینست که با وحدت عمل در مبارزه علیه دیکتاتوری و با تشدید مبارزه باطوار طرد ترور پلیسی همگام شوند. این همگامی نه فقط به تغییر تناسب نیرو ها در داخل کشور و در جهان بسود خواستاران آزادی و دموکراسی سرعت می بخشد، بلکه میتواند زمینه وحدت عمل نیرو های اصیل ضد رژیم را که وظیفه رهبری مبارزات مردم زحمتکش و آزادیخواه ایران بعهده آنهاست از قوه بقول در آورد.

واردات ایران به ۲۳ برابر ...

سعودی موجب تب و لرز شدید سرپای اقتصاد کنونی ایران میشود. طی سالهای اخیر که رژیم ایران آهنگریستین به «دروازه های تمدن بزرگ» را کرده است، تفاوت میان صادرات و واردات کشور سرعت افزایش یافته و واردات از ۷-۶ برابر سابق اکنون به ۲۳ برابر صادرات رسیده است و این تفاوت تقریباً تمام در آمد نفت را می بلعد.

البته اگر واردات ایران ساختاری هماهنگ با نیازمندیهای واقعی رشد و تکامل اقتصادی سالم و مستقل ایران میداشت، آنوقت این تفاوت عظیم میان واردات و صادرات، جای نگرانی نمیداشت. ولی در این ساختار، بطوریکه میدانیم، تسلیحات جلی اول را دارد و کالاهای لوکس و نیز خواربار، بسبب سیاست کشاورزی سرپای معیوب رژیم، رقم عظیمی را تشکیل میدهد و برعکس واردات کالاهای باصطلاح سرمایه ای بهچهره متناسب با نیازمندیهای واقعی اقتصاد کشور نیست. به بیان دیگر بخش عظیمی از درآمد نفت ایران صرف ورود کالا هایی میشود که یک رژیم ملی

مقاومت و مبارزه دانشجویان ...

زمینه سیاسی بر آورده سازد. بر عکس، عواقب شوم سیاست اقتصادی، تسلیحاتی و فرهنگی رژیم از یکسو و تشدید ترور پلیسی از سوی دیگر، که ناممکن دانشگاه و دانشگاههای هم شده است و میشود، نارسائی و خشم موجود را عمیق تر و مخالفت و اعتراض موجود را گسترده تر میکند.

(۱) روند غلبه برچپ روی و سکتراریسم و پراکندگی در جنبش دانشجویی و انتخاب شیوه ها و شعار های درست مبارزه عمیق تر و سریع تر میشود. بازتاب این واقعیت را از جمله در پدیده های زیرین میتوان مشاهده کرد:

- * توده های وسیع تری از دانشجویان به مبارزه جلب میشوند؛
- * همبستگی استاتارن صدید، شریف، مین پرست و دمکرات با مبارزه دانشجویان افزایش می یابد؛
- * وحدت عمل دانشجویان، با گرایشهای گوناگون سیاسی، در مبارزه برای نیل به هدفهای مشترک صنفی و سیاسی بیشتر میشود؛
- * همبستگی متقابل دانشجویان و افشار گوناگون مردم در مبارزه برای خواسته های صنفی و سیاسی تقویت میشود. دانشجویان بیش از پیش از مبارزه کارگران و سایر زحمتکشان، بخصوص در جریان اعتصابات کارگری، پشتیبانی میکنند و مقابلا و بیش از پیش میتوانند نظر موقر کارگران زحمتکشان و افشار گوناگون مردم را به مبارزه خود جلب کنند.

بدینسان، جنبش دانشجویی، بر خوردار از عوامل مساعد عینی و ذهنی توانسته است نه فقط به مقاومت و مبارزه خود ادامه دهد، بلکه این مقاومت و مبارزه را در سطح و عمق گسترش دهد. با اینهمه تا کید این نکته لازم است که اگرچه در زمینه تأثیر عوامل مثبت ذهنی، پدیده های امید بخشی پیش میخورد، ولی تأثیر این عوامل هنوز به آن اندازه نیست که بتواند از عوامل مساعد عینی حنا کتر استفاده بکند و جنبش دانشجویی را با گلهای محکم و استوار در راه پیروزیهای برگشت ناپذیر به پیش برد. بسخن دیگر هنوز چپ روی، سکتراریسم و پراکندگی در جنبش دانشجویی ریشه کن و هنوز شیوه ها و شعارهای درست مبارزه همه گیر نشده، هنوز وحدت عمل وسیع، عینی و گسست ناپذیر تحقق نیافته، هنوز همبستگی همه جانبه و خلل ناپذیر بین دانشجویان و افشار گوناگون مردم و قبل از همه کارگران و زحمتکشان برقرار نگردیده است. بروز پدیده های مثبت در همه این زمینه ها نشاندهنده تشدید جنبش دانشجویان ایرانی نشاندهنده تشدید مبارزه سیاسی و روشی است که در این زمینه ها انتخاب شده، ولی هنوز بهمنای کمال جنبش و تسلط کامل سیاست و روش درست نیست. از همبستگی که اهمیت و ظایف دانشجویان آگاه، مبارز، مترقی، دمکرات، و در پیشاپیش آنها دانشجویان توده ای که برای پیشبرد سیاست و روش درست پیشگام بوده اند، هستند، بیش از پیش احساس میشود.

ما مطمئنیم که جنبش دانشجویان ایرانی و پیشاهنگ آن دارای چنان سنت و نیروی هست که بتواند راه کمال را، برغم دشواریهای فراوان و موانع گوناگون، با موفقیت بییماید. م. انوشه

باسانی میتوانست از آن صرف نظر کند و کالا های دیگری جایگزین آن سازد.

و اما نکته شایان توجه اینست که در میان کشور های صادر کننده کالا (بدون نفت و گاز) از ایران، همسایه شمالی ما اتحاد شوروی جای اول را دارد، ولی در میان کشورهای وارد کننده کالا، ایالات متحده آمریکا از همه کشورهای دیگر جلوتر است. اتحاد شوروی - کشور همسایه ای با امکانات اقتصادی وقتی عظیم که کشوری چون ایران با گسترش هر چه بیشتر همکاری اقتصادی و بازرگانی با آن نیاز حیاتی دارد - در میان کشورهای وارد کننده کالا در جای نوازدهم و تقریباً در کنار همسایه جنوبی ایران، کویت قرار دارد! سهم اتحاد شوروی در زمینه واردات گمرکی از ۹٫۶ درصد در سال ۱۳۵۰ به ۵٫۵ درصد در سال ۱۳۵۴ تنزل کرده است! (سهم کویت در زمینه واردات نزدیک به ۱ درصد است!) و بر عکس سهم واردات گمرکی ایالات متحده آمریکا از ۱٫۴ درصد در سال ۱۳۵۰ به ۱۹٫۶ درصد در سال ۱۳۵۴ ترقی کرده

بازی با دموکراسی

دیدند که این داد گاه با داد گاه های در بسته نظامی پیشین، که مورد اعتراض افکار عمومی ایران و جهان بود، فرقی نداشت. در این داد گاه از تماشای عادی خبری نبود، زیرا بنا با اعلام روزنامه ها، فقط خبر نگران داخلی و خارجی و خانواده متهمان حق شرکت یافتند که بدون تردید ساواک بر آنها نظارت کامل داشته است. در این داد گاه نه تنها داستان نظامی نقش نماینده ساواک را بر عهده داشت و از زبان او سخن میگفت، بلکه رئیس داد گاه و دادرسان نظامی نیز همگام داستان بودند. بد تر از همه اینکه وکلای مدافع بجای آنکه از حقوق موکلان خود دفاع کنند، به صلاحیت داد گاه غیر قانونی معترض باشند، نبوت حکومت قانون را محکوم کنند! از قلمدان آزادیهای اساسی سخن گویند و نه بسختن زبانها و دهانها اعتراض کنند، نقش دستیار داستان را ایفا کردند، موکلان خود را مجرم و گناهکار خواندند، فریب خورده و نادم نامیدند و سرانجام برایشان تقاضای عفو کردند. هیچیک از وکلای مدافع جرأت نکرد حتی جمله ای در دفاع، منطقی از موکل خود بر زبان آرد، هیچیک از مراحل بازداشت و باز پرس متهمان که بر خلاف موازین قانون اساسی، بدست جاسوسان و شکنجه گران ساواک انجام شده بود، مورد ایراد و کلامی مدافع قرار نگرفت و حتی بگوشه ای از این ایزده پرونده غیر قانونی هم اعتراض نشد. دهها سال است که مزدوران ساواک مردم را میزنند و میکوبند و میکشند، دهها سال است که سلطنت مطلقه حق تنفس آزاد را از مردم سلب کرده، اما وکلای مدافع محکمه نظامی صلاح خود در آن دیدند که جهنم استبداد را بهشت دموکراسی تصور کنند و کلمه ای در دفاع از قانون اساسی و حقوق مردم نگویند. خود متهمان نیز یا برآده و یا زیر فشار به «گناه» خود اعتراف کردند و از گذشته خویش ابراز ندامت نمودند. دفاع ما از آنان نه بملت موضع سیاسی شان که فقط و انحرافی است و ما همیشه با آن مخالف بوده و هستیم، بلکه بملت دفاع از حقوق آنان، دفاع از آنان در برابر رژیم شکن و مستبدی است که تمام موازین قانونی را نادیده گرفته است. اما هدف از تشکیک این داد گاه «دعوی»، این صحنه سازی مسخره چه بود؟ همه میدانند که در چند سال اخیر رژیم شاه، گرفتن خود را از شر همان داد گاههای نظامی در بسته هم خلاص نمود و از ترس مزاحمت ناظران خارجی و افشایگری بین المللی، شیوه کشتل های خیابانی و قتل زیر شکنجه را ترجیح داد. اما مبارزات ینگیر نیرو های مترقی علیه رژیم دیکتاتوری و شیوه ترور پلیسی در داخل و خارج از کشور، افشاء رژیم مطلقه در مقیاس جهانی و اعتراض جهانیان به ترور و اختناق حاکم در ایران، شاه را ناگزیر ساخت تا برای تبرئه خود و فریب افکار عمومی دست به اقداماتی بزند. تشکیل «کمیته پارلمانی دفاع از حقوق بشر»، آزادی عده ای زندانی سیاسی، اعلام امکان بازدید از زندانهای ایران از زبان فرح پهلوی و نیز تشکیل داد گاه اخیر از جمله این اقدامات است که مجموعه آنها نه تنها نیمیگامی بازی با دموکراسی و آبهیم بازی مسخره و رسوائی است. نفس رسیدگی به جرائم سیاسی در داد گاههایی که دادرسان و دادرسان و وکلای مدافع آن، همه نظامی و تحت فرمان شاهند، خود نقض اصول قانون اساسی است که جرائم سیاسی را بداد گاههای دادگستری با حضور هیئت منصفه محول میکند. داد گاهی که حتی يك تماشایگر خارج از تصویب و کنترل سازمان امنیت، در آن حق ورود نداشتند، چگونه میتوان آرا داد گاه علنی نامید؟ داد گاهی که متهم در آن احساس امنیت و مصونیت نکند و هر حرف و کلامش بهانه انتقامگشی شکنجه گران ساواک قرار گیرد، چگونه میتواند نام «داد گاه» بر خود نهی؟ داد گاهی

است. سهم صادرات گمرکی ایالات متحده آمریکا که در سال ۱۳۵۰ برابر ۸٫۳ درصد بود در سال ۱۳۵۴ به ۱۴٫۸ درصد تنزل کرده است. (از قام ز گزارش اقتصادی تراز نامه سال ۱۳۵۴، مجله بانک مرکزی ایران، ۱۰)

این نکته را هم باید افزود که ایران در زمینه سرعت افزایش تفاوت میان واردات و صادرات، به همراه رژیم عربستان سعودی، در جهان جلی اول را دارد؛ م. پ. هرمز

حوادث ژئیر و سیاست پکن

لحاظ تسلیحات و تجهیزات نظامی به ژئیر کمک گروهی افسر و کارشناس نظامی بان کشور اعزام طبق خبرهایی که در روزنامه های امریکایی انتشار تنها سرمایه گذاری خصوصی امریکایی در مس روزنامه «ماتن فوباری» نوشت انگیزه اصلی، دول امپریالیستی در حوادث ژئیر آنتسکه این از لحاظ میزان استخراج مس در جهان است دارد (سالانه ۵۰۰ هزار تن) و ذخائر معادن ۸۰ میلیون تن تخمین زده شده است و بهمین عا ماده خام فوق العاده مهمی را برای صنایع نظامی میدهد. اما ماوان نخست وزیر جمهوری توده ای میان نیان در مجلس ضیافتی که در پکن ترتیب شده بود، اظهار داشت حوادث ایالت جنوبی از جانب يك دولت «ابر قدرت» تحریک و میشود. معاون نخست وزیر چین با بیان این نظر تلاش دارد نقش پکن را در حوادث ژئیر پیردا کند و واقعیت حوادث ژئیر را تحریف نماید. از همان آغاز حوادث ژئیر همه مغیبر مراکز تبلیغاتی کشورهای مختلف و از آنجا ژئیر این مطلب را تأیید و تصریح کرده اند که چین کارشناسان و مستشاران نظامی خود را به ژئیر داشته و به رژیم ژئیر برای سرکوب قیام کنند ایالت شایا اسلحه و تجهیزات نظامی میدهد. سه رژیم ژئیر در مورد کمکهای نظامی چین اظهار که دولت چین از طریق هوا و دریا به ژئیر امهمات حمل میکند. «واشنگتن پست» در این نوشت که تیوغانه سنگین و تلنگ از جمله تم است که چین به ژئیر میدهد. در سالهای ۱۹۷۵ چین به گروه بنی «ف. ن. ل. آ. ک» که آنان در خاک ژئیر بود و با پشتیبانی و تحریک امپریالیستی علیه خلق آنکولا میجنگید اسلحه و میداد و افسران چینی به واحد های این گروه آمیدادند. اکنون هم کمکهای نظامی چین بانه غربی به رژیم ژئیر برای سرکوب قیام کنندگ ایالت شایا ادامه میداد. سیاستی است که چین آنکولا اعمال میکند.

روزنامه «اوانایت» مینوسد رژیم کنونی از مداخله مسلحانه دول امپریالیستی علیه خلق آن فعالیتها شرکت داشت و اکنون هم که خلق آن پیروز شده، رژیم ژئیر برای دول امپریالیستی پایگاه استراتژیکی مناسبی علیه جمهوری توده آنکولا و حفظ و نجات رژیم تودا پرست افرنی جنوبی بدین ترتیب پکن با کمکهای نظامی رژیم ژئیر از منافع انحصارات امپریالیستی در ژئیر ارتجاعی آن دفاع میکند و در سرکوب جنبش ایالت شایا و تحریکات و توطئه های امپریالیستی جمهوری توده ای آنکولا مستقیماً شرکت میب این سیاست رهبری چین ادامه همان سیاست هم پی با سه ترین نیرو های ارتجاع و امپریالیسم پرست و ستیزه جوئی با کشورهای سوسیالیست جنبش های رهائی بخش و جنبشهای تریغواخانه در مناطق مختلف جهان است. م. پیروز

که داستانش نماینده ساواک، دادرسان مجری دستور ساواک و وکلای مدافع طوطی مسخره ساواک هستند، فقط يك خیمه شب بازی مسخره ونه داد گاه!

شاه تصور میکند با نگاهداشتن دهها مبارز و بند و آزاد کردن چند صد نفر، با بازی سازی های نظیر داد گاه اخیر، با ساسنات نمود مغیبر برای زندانیان مقاوم و ایجاد زندانهای زود منظور نشان دادن به ناظران بین المللی، با اعلام قطع شکنجه وغیره میتواند مردم ایران و افکار جهان را بفریبد، اما مردم میدانند که در شرایط که دموکراسی زمانی تحقق خواهد یافت که اصول آزادی ممرحله در قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر ر شود و نخستین گام در این راه بر چین تسلط در سازمان امنیت و تعطیل داد گاههای نظامی است واکتشاف سراسیمه رژیم در قبال اعتد جهانیان به ترور و اختناق حاکم، بار دیگر اعلام میکند که خصلت ضد دمکراتیک رژیم و شیوه پلیسی آن ضعیف ترین حلقه ایست که برای د شکستن آن، وحدت عمل همه نیرو ها شرط ض و حتمی است.